

پــــژوهــش هـــای

ایــــران شنــــاسـی

پـرســش و پــاســـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

نوشتاری کوتاه از وبگاه ایران شنــاسی

مــولـــوی وحــافــظ وتشیـــّع امـامیـــّــه! (۲)

نوشته ی دکتر محمودرضا افتخارزاده

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

*****

مــولـــوی وحــافــظ وتشیــّع امامیـــّــــه!

پرسش:

با سلام و تحیّت وقبولی طاعات درماه صیام . حضرت عالی در «آثار» مبارک وبویژه مقالات این «وبگاه» مکرراز» اقالیم خمسه: فردوسی ، خیام ، مولوی ، سعدی و حافظ « یادکرده و فرموده اید » :انسان و جهان ایرانی در این پنج اقلیم شکل می گیرد«! از طرفی سنیّانِ پان عربیست بجز «فردوسی» بقیه بویژه» حافظ«و»مولوی «را "سنّی "می دانند و از دیگر طرف حضرت عالی »تسنّن «را در تمامی انواع و اشکال آن ، ضدِ هویت ، فرهنگ و سرشتِ ایرانی می دانید و تکیه شما بر» تشیّعِ امامیّه «است ! در این مورد چه می فرمایید ؟

پاسخ:

آنچه مهم است بینش و نگرش و جهان بینی عرفانی انسانی این پنج اقلیم است که ایرانی خالص است و هیچ رنگ و بو و نشانی از پان عربیسم یا تسنن ندارد ! تسنّن چیزی جز برهوتِ تیره و تار و خشک و بی حاصلِ بَدَویّت وعربیّت نیست !پس کَی تواند که جهانی سراسر گلستان ازعـرفـان و معرفـت و حکمت و انـدیشــه و اسطوره و نبــوغ برآورد !؟ من این حقیقت را در کتاب "بازخوانی رباعیــات خیـــام"زیــرچــاپ) نشان داده ام ! وانگهی در تشیّعِ مولوی و حافظ هیچ تردیدی نیست ! این حافظ است که می سراید:

مردی؟ زِ کَنندَه ی درِ خَیـــبر[۱] پُـرس

اَســرارِ کَرَم زِ خواجه ی قنبر[۲] پُرس

گـر طالبِ فیضِ حقّ، بِصِدقی حافظ

سرچشمه ی آن زِ ساقیِ کوثر[۳] پُرس

۱ - درِ دژِ خیبر را مولاعلی(ع)از جای برکند .۲ - قنبرغلامِ مولاعلی (ع) بود. ۳- ساقی کوثر، لقب مولاعلی (ع) است.

ودر شرح حدیث نبوی(ص)« علیّ قسیمُ الجنّة والنّار»=«علی است که بهشت و دوزخ راتقسیم کناد!» حضرت حافظ می سراید:

قَسّامِ[۱] بهشت و دوزخ آن عِقدهِ گشــای[۲]

مارا نگــذارد کــه درآییم زِ پــــــای

تا کَی بُوَد این گُــرگ ربــایی، بنمای

سرپنجه ی دشمن افکن ای شیر خدا[۳]ی

۱ - تقسیم کننده ، بخش کننده . ۲ - مشکل گشا ، گره گشا . ۳ - اَسَدالله الغالب ، لقب مولاعلی(ع)

(ن .ک : دیوان حافظ . چاپ مرحوم قزوینی . رباعیات :۳۶۱ ، ۳۵۷/انتشارات علمی . تهران . ۱۳۴۲ خورشیدی)

این تعابیر را جز شیعه ی خالص و مخلصی بر زبان نراند ! و سنّیان را این الفاظ و معانی خوش نیاید ، بل از آن گریزند و آن را پوشانند ، و گوینده اش را نکوهند وتکفیر کنند و گر توانند زبان برند و گردن زنند یا که زَهر خورانند یا که آزارکُش کنند! و شگفتا که در مقدمه ی گردآورنده ی دیوان حافظ(که مرید و شاگرد حافظ بوده) آمده است : " ...مولانا الاعظم السّعید ، المرحوم »الشّـــــهید «، مَفخَر العلماء ، استاد نَحاریر الأُدباء ، معدن اللطائف الرّوحانیه ، مخزن المعارف السّبحانیه ، شمس الملّه و الدّین محمّد الحافظ الّشیرازی... " .مرحوم قزوینی در پاورقی فرموده : »چنین است در اغلب نُسَخ موجود نزد اینجانب (۷ نسخه از یازده نسخه) و مقصود از این کلمه در اینجا یعنی در مورد خواجه درست معلوم نشد که به چه مناسبت اطلاق کلمه ی» شـــهید «بر او شده است. «ن.ک : همان . مقدمه ی مرحوم قزوینی ./صفحه ی ق/۷۸ . علت معلوم است ! بی گمان مرگ حضرت حافظ طبیعی نبوده و اورا زجر کش یا زَهر خورانده شهید کرده اند ! گردآورنده ی دیوان حافظ که از مریدان و شاگردان او بوده در مقدمه اش به این حقیقت تصریح نموده است ! هرچند که تاریخ رسمی حاکم سکوت کرده است!

✻ ✻ ✻ ✻

گلایه ای از مرحوم حضرت علاّمه ی قزوینی !ایشان درمقابله و تصحیح وتحشّی ی مقدمه ی تاریخی دیوان حضرت حافظ ، در انتقاد از یک نسخه ی متاخّر که گویا به حسب نظرصائبِ ایشان ،جمله ی مورد نقد بر مقدمه تاریخی افزوده شده،فرموده اند: " ...بدون شک الحاقی می باشد از متاخّرین در عهد صفویه به قصد این که خواجه را نظر به بعضی مصالح ، شیعه قلمداد کنند" .شگفتا از مرحوم علامه که خودحضرتِ ایشان ابیات فوق را پس از مقابله با بیش از بیست نسخه خطی ، تایید فرموده اند که از حافظ است و از این رو در دیوان پذیرفته و به چاپ رسانده اند ، لیک در

هنگام تصحیح و مقابله ی مقدمه ی تاریخی به گونه ای رفتار کرده اند که گویی آن ابیات را ندیده یا از یاد برده اند!! من این سهو را ناشی از کهولت سن و خستگی مفرط ایشان می دانم!

وبا این غزل یگانه در دیوان حضرت حافظ (ره)در شیعه بودن و ارادت او به خاندان رسالت هیچ تردیدی نیست :

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف

گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف

طرف کرم ز کس نبست این دل پرامید من

گر چه سخن همی‌برد قصه من به هر طرف

از خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد

وه که در این خیال کج عمر عزیز شد تلف

ابروی دوست کی شود دست کش خیال من

کس نزده‌ست از این کمان تیر مراد بر هدف

چند به ناز پرورم مهر بتان سنگ دل

یاد پدر نمی‌کنند این پسران ناخلف

من به خیال زاهدی گوشه نشین و طرفه آنک

مغبچه‌ای ز هر طرف می‌زندم به چنگ و دف

بی خبرند زاهدان نقش بخوان و لا تقل

مست ریاست محتسب باده بده و لا تخف

صوفی شهر بین که چون لقمه شبهه می‌خورد

پاردمش دراز باد آن حیوان خوش علف

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق

بدرقه ی رهت شود همت شحنه ی نجف

دیوان حافظ/۱۹۷-۱۹۸ (چاپ علامه ی قزوینی).۱۳۴۳ خورشیدی .تهران.

(حرف ف در دیوان حافظ فقط همین یک غزل را دارد)

****

جلال الدین محمّد بلخی خراسانی معروف به» مولوی «در معنای حدیثِ نَبَوی(ص) «هرکه را مولای اویم ، این علی مولای اوست » =«مَن کنتُ مَولاهُ فهذا علیّ مَولاه» می سراید:

کیست «مَولا؟» آن که آزادت کند

بندِ رِقیِّت[1] زِ پایت بَر کَند

چون به آزادی نبوَّت هادی[2] است

مومنان را ز انبیا آزادی است

۱ -بردگی .۲- رهنما ، رهگشا.

و در نفی مذاهب چهارگانه ی تسنن می سراید:

عشق را جز دولت و عنایت نیست

جز گشاد دل و هدایت نیست

عشق را«بوحنیفه»شرح نکرد

«شــــــافعی» را در او روایت نیست

«مالک» از سرّ عشق بی خبر است

«حنبــــــلی» را در او درایت نیست

و در شرح ولایــت و امامـــت مـولا عـلی (ع) می سراید:

رومی! نشد از سرِّ عـــلی کس آگاه

زیرا که نشد کس آگـــه از سرِّ اله

یک ممکن و این همه صفاتِ واجب

لا حَـــــولَ وَ لاَ قُــــــوَّةَ اِلاّ بِالله

و در مدح مولا علی (ع) می سراید:

تا صورتِ پیـــوندِ جهان بُود علی بُود

تا نقشِ زمین بُود و زمان بُود علی بُود

شاهی که وصیّ بُود و ولیّ بُود علی بُود

سلطان سخـــا و کَـرَم و جُود علی بُود

مَسجُود مَلایـــک که شُد آدم زِ علی شُد

آدم چُو یکی قِبـــله و مَسجُود علی بُود

این تعابیر تنها از ژرفای ایمان یک پیروِ راه و رسمِ مولا علی(ع) بر زبان روان می گردد نه از دهان یک سنی!



اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحثِ الكاتب و المترجم الايرانی

الدکتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH

Iranian writer , Researcher & Translator

***